

علم و هنر در «آشیل و لاک‌پشت»



علیرضا جوادى‌هرمند؛ مارک تانسی هنرمند معاصر آمریکایی است که بیشتر به خاطر نقاشی‌های تکرنگش از سناریوهای سوررئالیستی شهرت دارد. تنسی تحت تأثیر کارهای رمزآلود رنه ماگريت، ساختارشکنی می‌کند که چگونه عکس‌ها نحوه توصیف واقعیت را تغییر داده‌اند. او در سال ۱۹۴۹ در سن‌خوزه کالیفرنیا به دنیا آمد و در خانواده‌ای از مورخان هنر بزرگ شد. تنسی به تحصیل در کالج طراحی مرکز هنر در لس‌آنجلس ادامه داد، قبل از نقل مکان به نیویورک، جایی که در سال ۱۹۷۸ مدرک MFA خود را از کالج هانتز دریافت کرد. او در حال حاضر در نیویورک زندگی و کار می‌کند. امروزه آثار این هنرمند در مجموعه‌های موزه هنر شهرستان لس‌آنجلس، موزه هنر مدرن نیویورک، موزه هنر کیولند، مرکز هنر واکر در مینیاپولیس و موزه هنر آمریکایی اسمیتسونیان در واشنگتن‌دی‌سی قرار دارند.

یکی از آثار تنسی آشیل و لاک‌پشت است که یک طرح شمایل‌نگاری لایه‌ای است که در آن روایتی پیچیده بیان می‌شود. همان‌طور که معمولا در نقاشی تنسی اتفاق می‌افتد، تفکیک به عنوان یک ترفند معنایی رخ می‌دهد. گاهی آثار تنسی به طرز آزاردهنده‌ای شبیه جوک‌های تصویری یک‌خطی است، اما این بخشی از یک استراتژی برای تشدید منطق تصویری است. جناس‌های او لحن موزیانه‌ای از بی‌معنایی را به خود می‌گیرند و بیننده را به زیر سؤال بردن اعتبار هر دیدگاهی سوق می‌دهند. برای مثال، صحت ظاهری صحنه توصیف‌شده در آشیل و لاک‌پشت، صحتی که توسط سبک تصویرسازی عکس مانند اثر و مکان ظاهری صحنه در تاریخ حمل می‌شود، با استعاره شاعرانه نقاشی در تضاد است.

وسعت دید هنرمند، روایت را به قلمرو علم گسترش می‌دهد و به ایده‌های مشترکی در هنر، علم و ادبیات معاصر ربط می‌دهد. تنسی در واقع ریشه‌های آشفتگی‌های کاشته‌شده در اندیشه معاصر را با ساختارهای ریاضیات و فیزیک تجربی و گسترش به فلسفه متافیزیکی ترسیم می‌کند.

در یکی از بارادوکس‌های زنون، آشیل تصمیم می‌گیرد با یکی از کندترین رقبای خود، لاک‌پشت، مسابقه دو بدهد. او فرصت می‌دهد لاک‌پشت از نقطه‌ای جلوتر از او مسابقه را شروع کند. وقتی آشیل از نقطه شروع خود حرکت می‌کند، لاک‌پشت قبلا مسافتی بیش رفته است و مدتی طول می‌کشد، البته نه خیلی زیاد، تا آشیل به نقطه‌ای برسد که لاک‌پشت حرکتش را از آنجا شروع کرده است. مسلما تصور می‌کنیم آشیل بیش از این عقب نخواهد ماند؛ هر چقدر هم مسیر مسابقه کوتاه و فاصله اولیه لاک‌پشت از آشیل زیاد باشد، آشیل باید زودتر به خط پایان برسد. اما در واقع این‌طور نیست؛ زیرا مدتی طول می‌کشد تا آشیل به نقطه‌ای برسد که لاک‌پشت از آنجا راه افتاده و لاک‌پشت در این مدت خود را کمی جلو گشانده است. این بارادوکس به طرق مختلف در اثر تنسی تکرار شده است. در پس‌زمینه درختی بلند به سمت آسمان دیده می‌شود. در فاصله میانی، مردان موشکی پرتاب کرده‌اند که رد بخار آن شکل درخت را بازتاب می‌دهد، به تصور آنها موشک خیلی به سمت بالا نرفته است پس در حال آماده‌کردن موشک دوم برای پرتاب هستند و با دوربین دوچشمی، به نظر می‌رسد موضوعات مختلفی را مشاهده می‌کنند؛ دنباله بخار، درخت و صحنه در پیش‌زمینه. در اینجا پنوا مندلیرات، میچل فایگنباوم، آلبرت انیشتین، زنون الثانی، مشغول کاشت درخت دوم هستند، نهال کوچکی که از یک کلدان شکسته بیرون می‌آید. همراه آنها یک دوربین فیلم‌برداری است که بر حفاری آنها متمرکز شده است.

این تصویر شبکه‌ای از روابط میان سرعت، مقیاس، رشد و قدرت ایجاد می‌کند که همگی در یک مسابقه بین طبیعت و فرهنگ قرار گرفته‌اند. این نظریه علمی را در روایت و اسطوره القا می‌کند و بحران واقعیت را که ایده‌های فایگنباوم و مندلیرات پیشنهاد می‌کند با نقوش و نمادهایی که قبلا از بیان‌های کلاسیک تصویری تثبیت شده بود، به نمایش می‌گذارد. یوپایی بصری موشک و درخت تانسی که به سمت بالا رانده می‌شود، به راحتی در شمایل‌نگاری که اغلب انتظار داریم در نقاشی پیدا کنیم، کار می‌کند.

این صحنه ترکیبی از هنر و علم که تنسی آن را به سبک رئالیستی تقریبا مستند ارائه می‌کند، در آن ظرافت خاصی دارد؛ جاشنی پوچی، قوت استعاره‌های پیچیده تنسی در تراکم اطلاعات آنها نیست، بلکه در جریان‌های پنهان آنهاست. همان‌طور که جریان‌های آب متلاطم هم‌زمان با یکدیگر بازی و به یکدیگر نفوذ می‌کنند.

سوررئالیسم او از درون به بیرون کار می‌کند، با این حال، اختلال در انتظارات ایجادشده توسط نقاشی‌های تنسی، توهمات متنی در حوزه عقل، باید از مسیرهای ریاضی مندلیرات به هرج‌ومرج متمایز شود. جایی که هندسه فراکتال نظم را در تضاد و تناقض را در نظم پیدا می‌کند. تنسی عنصر غیرقابل پیش‌بینی دیگری را اضافه می‌کند؛ تحیل.

تئوری آشوب و هندسه فراکتال اخیرا به اندازه‌ای که علم و ریاضیات به ندرت انجام می‌دهند، در دنیای هنر مورد توجه قرار گرفته است. شیفتگی هنر به این حوزه تحقیقاتی جدید واقعا تعجب‌آور نیست. تا همین اواخر، تحقیقات در مورد قانون طبیعت، از شیمی گرفته تا فیزیک و موارد دیگر، در آنچه به

گالری لآوری شبیبی پذیرای هنرمند ایرانی

تیموناصری دردوبی

گالری لآوری شبییبی دوبی سال نوی میلادی را با آثار هنرمند ایرانی-آلمانی آغاز می‌کند.

به گزارش ایران‌آرت، گالری لآوری شبییبی (Lawrie Shabibi) دوبی، ژانویه ۲۰۲۳ میزبان آثار «تیمو ناصری» هنرمند ایرانی-آلمانی خواهد شد. تیمو ناصری هنرمند ایرانی-آلمانی به‌زودی مجسمه‌هایش را به گالری لآوری شبییبی (Lawrie Shabibi) دوبی می‌برد. ناصری نمایشگاه انفرادی خود را در ژانویه ۲۰۲۳ در این گالری برپا خواهد کرد.

تیمو ناصری در سال ۱۳۵۱ از پدری ایرانی و مادری آلمانی متولد شد. پیش از این‌و او در دی‌ماه ۱۳۹۹ با یک مجسمه در حراج مدرن و معاصر تهران حضور داشت. «پونا» نام آن مجسمه بود که با فلز برنج، چوب و لاتکس ساخته شد. اثر هنری تیمو در این حراج به رکورد یک‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان دست یافت.

در آبان ۱۳۹۶ گالری آب‌انبار نمایشگاهی از آثار ناصری برگزار کرد. این نمایشگاه بسیار مورد استقبال علاقه‌مندان و مجموعه‌داران هنری ایرانی واقع شد. آب‌انبار در آن نمایشگاه به دوره‌های مختلف کاری تیمو از مجسمه‌ها تا طراحی‌های او توجه نشان داد.

تیمو ناصری در رشته عکاسی در مؤسسه آموزشی لوترهین تحصیل کرد. در ابتدا مجذوب پرتره‌نگاری شد، اما برای پروژه نهایی تحصیلش سراغ عکاسی پزشکی و ثبت روند جراحی‌ی رفت و هنگام شب از اتاق‌های شیشه‌ای مشرف بر اتاق عمل از بدن‌های شکافته، اجزای بدن، سرخی خون، رویوش‌های سبز پزشگان، دستکش‌های سفید جراحان، ابزارهای جراحی، پارچه‌های ضدعفونی‌شده و... عکاسی می‌کرد.

بعد از اتمام تحصیلاتش مدتی به عکاسی تجاری در صنعت مد و

جدایی بین عقلانی و غیرمنطقی می‌انجامد، همواره در جهت تبدیل هرج‌ومرج به نظم بوده است. هیچ فرمول یا معادله‌ای نتوانسته است با ویژگی‌های تصادفی آشوب که به عنوان عناصر غیر قابل تشخیص و غیرقابل پیش‌بینی کنار گذاشته شده‌اند، مطابقت داشته باشد. علم ممکن است تا حدی درک منظمی از عناصر به دست آورده باشد، اما حرکات و توپوگرافی‌های نامنظم یک آبشار یا ستونی از دود بلندشده را یک هنرمند یا شاعر بهتر می‌تواند توصیف کند. توانایی دانشمند برای گسترش مدل‌های نظم ما به منطقه مه‌آلود که در آن به هرج‌ومرج تبدیل می‌شود، عمدتا به دلیل کشف ویژگی‌های مشابه انتقال به آشوب در معادلات تصادفی متفاوت نظم توسط فیزیک‌دان دانشگاه کرنل، فایگنباوم است. پیشرفت‌های بزرگ کامپیوتر در سرعت و قدرت محاسبه به فایگنباوم و دیگر ریاضی‌دانان اجازه داده که ریاضیات را به رشته تجربی تبدیل کنند که علوم آزمایشگاهی برای قرن‌ها بوده است. تحقیقات فایگنباوم نشان داده که منطق در چند مسیر اساسی به سمت بی‌نظمی حرکت می‌کند

و سیستم‌های او برای ترسیم این مسیرها به‌طور گسترده برای دیگرانی که بی‌نظمی در طبیعت را مطالعه می‌کنند، قابل استفاده است.

هنر از همان نوع تعصبی رنج می‌برد که علم و جامعه کورکورانه از آن پیروی می‌کنند: فرهنگ سا ویرایش تناقض‌ها به اثبات خود ادامه می‌دهد. اما داستان‌های باورپذیر تنسی استدلال می‌کنند که واقعیت را نمی‌توان در گوشه و کنار گذاشت. همان‌طور که فیزیک دیگر نمی‌تواند نظم را با شرایط فرمولی ثابت بیان کند، بلکه باید تغییرپذیری نظم را از نظر حفظ این لحظه تاریخی ترسیم کند، تعرض را بررسی می‌کند. یک مجموعه از قوانین باید به منطق ناسازگار دیگری واکنش نشان دهد. روایت تنسی با شبیه‌سازی منظرهای چندگانه و زمان سیال در بخش‌های تکرنگ نقاشی که نمادهای مدفون را در خود نگه می‌دارد، ایده یک بحث ثابت را در هم می‌شکند. آنچه تنسی به ما نشان می‌دهد و فایگنباوم ثابت می‌کند، خطر این توهم است که هر ایدئولوژی یا سلسله‌مراتبی می‌تواند جایگزین بقیه شود.

اخبار برگزیده

شهربازی از آثار هنرمندان بزرگ

پس از ۳۵ سال، آثاری که هنرمندان برای مجموعه آوانگارد لونا لونا آفریده‌اند از محل نگهداری خود خارج می‌شوند و روشنایی روز را می‌بینند. Luna Luna یک موزه فضای باز و پارک تفریحی در هامبورگ آلمان بود که در اواخر دهه ۱۹۸۰ ساخته شد. این موزه توسط هنرمند اتریشی آندره هلر، به عنوان تلاشی برای ایجاد منطقه‌ای سیار از هنر مدرن، شکل گرفت. هلر می‌خواست این پارک تفریحی توسط مهم‌ترین هنرمندان آن دوره طراحی شود. او ۵۰۰ هزار دلار کمک مالی از مجله آلمانی Neue Revue دریافت کرد اما پیشنهاد مک دونالد برای خرید پروژه را رد کرد و گفت: «ما نمی‌خواهیم دیزنی‌لند راه‌اندازی کنیم». هلر هنرمندان مختلفی را مامور طراحی جاذبه‌هایی برای این رویداد کرد. هنرمندان شرکت‌کننده شامل ژان میشل باسکیا، کیت هرینگ، روی لیختشتاین، سالوادور دالی، دیوید هاکنی و... بودند. او با ۳۲ هنرمند برای پروژه‌ای همکاری کرد که توسط مجله Life به عنوان «سرگیجه‌آورترین پروژه» و «نمایش هنری خیره‌کننده بر روی زمین» توصیف شد.

هلر به هر کدام از هنرمندان ۱۰ هزار دلار پرداخت کرد و دلیل اینکه تمام هنرمندان مشهور با پول اندک در این پروژه شرکت کردند آن بود که هلر به آنها گفت، شما دانما بزرگ‌ترین سفارش‌ها را دریافت می‌کنید و همه افراد نقاشی‌ها یا مجسمه‌های شما را می‌خواهند، اما من از شما دعوت می‌کنم سفری به دوران کودکی خود داشته باشید. شما می‌توانید شهربازی خود را همان‌طور که امروز فکر می‌کنید درست است، طراحی کنید.

بعضی از هنرمندان برای این پروژه به آلمان سفر کردند، برخی دیگر طرح‌های خود را به وین فرستادند تا یک تیم تخصصی متشکل از تکنیسین‌ها، نجاران و معماران آنها را بسازند. حدود ۳۰ جاذبه تفریحی به این پروژه ارائه شد. از جمله، یک «اتاق سایه» توسط گئورگ بازلتیک، یک «درخت طلسم‌شده» موزیکال توسط دیوید هاکنی، و هزارتوی شیشه‌ای رنگارنگ جسورانه توسط روی لیختشتاین.

کیت هرینگ چرخ‌وفلکی طراحی کرد که صندلی‌های آن به شکل شخصیت‌های کارتونی بود و تمام آن را با نمادهای خود نقاشی کرد. ژان میشل باسکیا یک چرخ‌وفلک متشکل از نقاشی‌های مختلف خود را طراحی کرد. کتی شارف شش مجسمه کمیک خلق کرد و بیش از ۱۰۰ تصویر منفرد را نقاشی کرد که در اطراف یک چرخ‌وفلک چرخشی رنگارنگ نصب شده بودند.

جاذبه‌های دیگر عبارت‌اند از دروازه ورودی طراحی‌شده توسط سونیا دلون، «غرفه بازتابی» سالوادور دالی و یک واکن سیرک نقاشی‌شده توسط آگوست والا. هر کدام از این وسایل، موسیقی منحصربه‌فرد خود را داشت. فیلیپ گلס موسیقی هزارتوی شیشه‌ای لیختشتاین را ساخت.

هربرت فون کارایان با ارکستر فیلارمونیک برلین یک سی‌دی برای اتاق هاکنی ضبط کرد. باسکیا آلبوم توتو اثر مایلز دیویس را انتخاب کرد.

در سال ۱۹۸۷، هلر کتاب Luna Luna را منتشر کرد که تمام این جاذبه‌ها را در خود دارد و برای جلد کتاب، از هنرمندان شرکت‌کننده خواست تا یک ماه بکشند و جمله‌ای را که مناسب می‌دانند، اضافه کنند.

لونا لونا، که به عنوان یک موزه هنر معاصر در فضای باز توصیف می‌شد، تنها به مدت سه ماه از چهارم ژوئن تا ۳۱ آگوست ۱۹۸۷ فعالیت کرد. قرار بود این موزه در کشورهای دیگر نیز نصب شود، اما مسائل مالی و دعوی قضائی به دلیل ادعای نقض قرارداد، مانع از نمایش‌های بعدی این مجموعه شد و لونا لونا برای چندین دهه در انبار ماند.

در سال ۲۰۱۹ مایکل گلدبرگ به طور اتفاقی به مطلبی در مورد کارناوال قدیمی برخورد. او با همراهی گروهی از متخصصان تصمیم گرفت نه تنها آثار را از انبار خارج کرده و آنها را بازسازی کند، بلکه لونا لونا را به یک جاذبه مسافرتی تبدیل کند و وسایل تفریحی جدیدی به هنرمندان امروزی سفارش دهد.

تاکنون نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار در این پروژه سرمایه‌گذاری شده است و کتی نوبل به عنوان کیوریتور، این قطعات را در کنار هنر نصب می‌کند. اما نکته آن است که آندره هلر دیگر با لونا لونا همراه نخواهد بود، زیرا به تازگی مشخص شده است که او طرح‌هایی را که باسکیا برای لونا لونا ساخته بود گرفته و سپس یک اثر هنری جدید از آن خلق کرده است. هلر این قطعه را به باسکیا نسبت داد و سعی کرد آن را به قیمت سه میلیون دلار در TEFAF بفروشد. اگرچه این اثر در نمایشگاه فروخته نشد اما توسط یک کلکسیونر به قیمت ۸۰۰ هزار دلار خریداری شد. هلر ادعا کرد که کل ماجرا یک شوخی کودکانه است، اما او ممکن است به دلیل جعل آثار هنری با عواقب جدی روبه‌رو شود.

عکس‌های دیوید لینچ در جشنواره هلسینکی

نمایشگاه عکس‌های دیوید لینچ فرصتی بی‌نظیر برای کاوش در آثار این هنرمند و درک شیوه هنری او فراهم می‌کند.

جشنواره عکس هلسینکی پنجمین دوره خود را با نمایشگاه Infinite Deep اثر دیوید لینچ به سرپرستی عکاس دانمارکی کریستین نورگارد جشن می‌گیرد. این نمایشگاه تا ۲۸ فوریه ۲۰۲۳ در ترمینال ۱ غربی هلسینکی فنلاند برگزار می‌شود.

نمایشگاه Infinite Deep فرصتی بی‌نظیر برای کاوش در آثار عکاسی لینچ است و به درک شیوه

هنری او برای نزدیک‌شدن به سناریوهایش، کمک می‌کند.

در این نمایشگاه فیلم کوتاه آتش (Požar) به نمایش گذاشته شده است. این فیلم کوتاه توسط دیوید لینچ نوشته، کارگردانی و طراحی شده است و موسیقی آن توسط کوارتت زهی پندرسکی اجرا شده و مارک زبروسکی نوشته است.

دیوید لینچ ۷۶ ساله که به عنوان کارگردان شاهکارهای برنده جوایزی مختلف شناخته می‌شود، مدت‌هاست که خود را به عنوان یک موسیقی‌دان، هنرمند و عکاس تثبیت کرده است. این نمایشگاه دیوید لینچ را به عنوان یکی از مهم‌ترین هنرمندان بصری زمان ما معرفی می‌کند. تمرکز روی آثار عکاسی اوست و فعالیت هنری طولانی و مهم لینچ را به نمایش می‌گذارد و به بازدیدکننده اجازه می‌دهد تا برای اولین بار با تنوع کار دیوید لینچ در عکس آشنا شود.

این نمایشگاه در ترمینال ۱ غربی هلسینکی برگزار می‌شود، جایی که حال و هوای آن با فضای آثار همخوانی دارد. ترمینال مسافربری قایقی که اکنون از کار افتاده است، برای چندین دهه برای سفرهای بین فنلاند و استونی استفاده می‌شد. این ساختمان که توسط گونا تاجر طراحی شد، در سال ۱۹۴۱ به عنوان انبار بندر تکمیل شد و بعد به یک پایانه مسافربری تبدیل شد. اما این فضا که هم‌اکنون متروکه است و تا سال ۲۰۲۶ تخریب می‌شود، در اختیار جشنواره عکس هلسینکی قرار گرفته و برای چند ماه به یک مرکز فرهنگی تبدیل می‌شود تا فضایی برای بزرگداشت عکاسی و فرهنگ بصری ایجاد کند.

زمزمه تغییر در مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری

شجاعی طباطبایی رفتنی شد

در راستای تحولات در حوزه هنری، در روزهای اخیر زمزمه‌هایی مبنی بر احتمال تغییر در مدیریت مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری نیز به گوش می‌رسد اما گزینه جدید مدیریت این مرکز کیست؟

به گزارش مهر، چندی است که زمزمه‌های تغییر مدیریت مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری شنیده می‌شود، مرکزی که در حال حاضر سیدمسعود شجاعی طباطبایی عهده‌دار مدیریت آن است. شجاعی طباطبایی خردادماه سال ۱۳۹۶ بود که در این سمت مشغول فعالیت شد و در طول این سال‌ها نیز برنامه‌ها و فعالیت‌های درخرو توجهی را در حوزه هنرهای تجسمی برنامه‌ریزی و اجر کرد.

حال اما با توجه به تغییرات در حوزه هنری، شنیده‌ها حکایت از آن دارد که در روزهای آتی قرار است شاهد تغییر مدیریت این مرکز باشیم. این در حالی است که مدیریت مرکز هنرهای تجسمی با توجه به رویکرد انقلابی حوزه هنری و اقدامات و واکنش‌های سریع این مرکز در قبال رویدادها و وقایع اجتماعی، مدیریت شخصی را می‌طلبد که توانایی چنین مسئولیتی را داشته باشد. براساس شنیده‌ها از میان گزینه‌هایی که انتخاب‌شان به‌عنوان جایگزین شجاعی طباطبایی، محتمل‌تر است می‌توان به احسان آقایی، امیر عبدالحسینی، مهدی مرادی و علی حیاتی اشاره کرد که همه این گزینه‌ها در حال بررسی هستند و این احتمال هم وجود دارد که برخی از آنها این مسئولیت را نپذیرند.

از میان همین گزینه‌ها احسان آقایی که سابقه مدیریت موزه هنرهای معاصر تهران را در کارنامه دارد و همچنین امیر عبدالحسینی که سال‌های دور در مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری مشغول به کار بوده است، گزینه‌هایی هستند که محتمل‌تری به نظر می‌رسند.